

بررسی سازوکارها و زمینه‌های مشارکت عمومی در حفاظت از محیط زیست

هادی ویسی^{۱*} و اکبرمجدالدین^۲

استادیار و عضو هیات علمی پژوهشکده علوم محیطی، دانشگاه شهید بهشتی، ایران

استادیار و عضو هیات علمی گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ایران

(تاریخ دریافت: ۸۶/۱۲/۲۰، تاریخ تصویب: ۸۷/۱۱/۳)

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی و تبیین ماهیت مشارکت کنندگان، زمینه‌های مشارکت و سازوکارهای مشارکت عمومی در حفاظت از محیط‌زیست انجام شد. روش پژوهش پیمایشی و پاسخگویان ۱۵۰ نفر از کارشناسان سازمان حفاظت محیط‌زیست بودند که با روش تصادفی گزینش شدند و داده‌ها با روش پرسشنامه پستی جمع‌آوری شد. برای اطمینان از روایی و پایایی پرسشنامه از میزگرد متخصصان و محاسبه ضریب آلفا کرانباخ پس از تکمیل و جمع‌آوری داده‌های ۲۰ پرسشنامه بهره‌گیری شد. در تحلیل داده‌ها، از تحلیل عاملی برای تبیین فرضیات پژوهش بهره‌گیری شد. پرسشنامه با بهره‌گیری از مقیاس پنج تایی، نظرهای کارشناسان محیط‌زیست را بررسی کرد و نتایج نشان داد که رهبران مذهبی، مدیران محلی، آموزگاران و مروجان و مدیران کارخانه‌ها و مدیران مسئول رسانه‌ها دارای بیشترین توان و قابلیت مشارکت در حفاظت از محیط‌زیست هستند و مهم‌ترین زمینه‌های مشارکت آنان، فعالیت‌ها پیشگیرانه، همیارانه، مدیریت مناطق حفاظت شده می‌باشند. سرانجام در رابطه با سازوکارهای مناسب مشارکت عمومی، یافته‌ها نشان داد که گروه‌های جامعه محلی (تعاونی‌ها)، نشست هم‌اندیشی و مراسم نمادین از اهمیت بیشتری برخوردارند.

واژه‌های کلیدی: محیط زیست، مشارکت، زمینه‌های مشارکت، سازوکارهای مشارکت

مقدمه

هرچند حفاظت از محیط‌زیست در ایران از دهه ۱۳۵۰ با شکل‌گیری سازمان حفاظت محیط زیست شکل رسمی و نهادینه‌ای به خود گرفته است. خط مشی و سیاست‌گذاری آن نیز بر امر حفاظت و پایه‌گذاری و موجب ایجاد پارک و مناطق حفاظت شده که ذخایر گرانبه‌ای طبیعی هستند شده است (EIA, 2002). اما تداوم چنین خط مشی در دهه‌های پس به رغم افزایش ابعاد حفاظت محیط‌زیست و تنگنانهایی مانند افزایش جمعیت که تخریب بیش از پیش منابع و محیط‌زیست و ظهور تنگنانه‌های دیگر را به ارمغان آورده شب شده است که امروزه ایران با تنگنانهایی مانند تخریب مراتع، چرای بیش از حد، آلودگی آب، آلودگی خاک و هوا .. روبرو باشد که رفع آن عزم و تلاش همگانی را می طلبد (Farzan, 2004).

توفیق فعالیت‌های مشارکتی در حفاظت از محیط‌زیست در سراسر جهان، به صورت تقویت نقش مردم به عنوان یکی از سازوکارهای اجرای دستورکار ۲۱ توسعه پایدار و تاکید صریح اصل پنجاهم قانون پایه‌ی بر حق برخورداری از محیط‌زیست سبب شد که ضرورت این عزم و تلاش همگانی و زمینه‌سازی برای تحقق آن احساس گردد که از نتایج آن می‌توان به طرح همیاران محیط‌زیست، طرح طلایه داران، و همچنین شکل‌گیری دفتر مشارکت مردمی در سازمان حفاظت محیط‌زیست در سال ۱۳۷۶ اشاره کرد. آنچه از بررسی و دقت نظر در این فعالیت‌ها بر می‌آید می‌توان به محدود بودن حیطه فعالیت همیاران به اطلاع رسانی از یک سو و مقطعی بودن همیاری آنان از سوی دیگر اشاره کرد به طوری که طرح طلایه داران پس از یک سال کنار گذاشته شده و دفتر مشارکت‌های مردمی نیز در سال ۱۳۸۴ در دفتر آموزش ادغام شود. وجود چنین وضعیتی بیش از آن که ناشی از روندهای سیاسی و مدیریتی کشور باشد، متأثر از نبود یک چارچوب و سازوکار مناسب برای مشارکت عمومی در حفاظت از محیط‌زیست می‌باشد به طوری که چشم‌اندازی از دست

اندرکاران بالقوه و دارای اولویت در برنامه‌ریزی برای جلب مشارکت آنان، زمینه‌های مشارکت فراتر از اطلاع رسانی، و روش‌های مشارکت مردمی در کشور وجود ندارد. نظر به وجود چنین ضرورتی، این پژوهش با هدف شناخت سازوکارها و زمینه‌های مشارکت عمومی در عرصه محیط‌زیست طراحی و اجرا شد و برای پژوهش این هدف، هدف‌های اختصاصی زیر دنبال شد:

- شناخت دست‌اندرکاران بالقوه مشارکت در حفاظت از محیط‌زیست در بخش‌های عمومی، خصوصی و دولتی
- بررسی و تعیین زمینه‌های مشارکت عمومی در حفاظت از محیط‌زیست
- تبیین روش‌های مناسب جلب مشارکت عمومی در حفاظت از محیط‌زیست در ایران

مرور ادبیات و پیشینه پژوهش

برای تبیین و بررسی سازوکارها و زمینه‌های مشارکت عمومی در حفاظت از محیط‌زیست پاسخگویی به سه پرسش چه "چیزی"، "چه کسی" و "چگونه" لازم و ضروری است (Bishwakarma, Octeau. 1999, & Nagy et al. 1994). در این چارچوب چه کسی ماهیت مشارکت‌کنندگان را تبیین می‌نماید، چه چیزی مربوط به نوع و سطح مشارکت است. و چگونه بر شیوه‌ها و سازوکارهای مشارکت عمومی دلالت دارد. در رابطه با این چارچوب پژوهش‌های بیشماری صورت گرفته است به طوری که در رابطه با ماهیت مشارکت‌کنندگان از نظر پارتل و مورپ (۲۰۰۵) بخش عمومی و گروه‌های اجتماعی نقش مهمی در تصمیم‌سازی‌های محیط‌زیستی دارند. اندرسیویچ (۲۰۰۲) سازمان‌های غیردولتی را از گروه‌های دست‌اندرکار مهم برای مشارکت در حفاظت از محیط‌زیست می‌داند. پرتی و همکاران (۱۹۹۵) و اسوالد و میشل (۲۰۰۰) افرادی را که می‌توانند در مدیریت مناطق حفاظت شده مشارکت کنند، خبرگان و آگاهان، آموزگاران، ارزیابان و مروجان کشاورزی

مشارکت مردمی بیان می‌نماید. شارما و ماسکی (۱۹۹۹) ایجاد جاده‌های سبز در مناطق کوهستانی را از زمینه‌های مناسب برای مشارکت عمومی بیان می‌نماید. و ناجی و همکاران (۱۹۹۴) نیز با تاکید بر تصمیم‌سازی به عنوان یکی از زمینه‌ها و سطوح مشارکت عمومی، تدوین و گسترش سیاست‌های زیست محیطی، تدوین قوانین، استانداردهای قانونی، صدور مجوزهای زیست محیطی، تصمیم‌های برنامه‌ریزی محلی و ملی، اعمال و اجرای قوانین، مقررات و مجوزها، خصوصی سازی و شفاف سازی مسایل زیست محیطی را مهم‌ترین اقدام‌هایی می‌دانند که بخش‌های دولتی، غیردولتی و خصوصی می‌توانند در آن مشارکت نمایند. و در نهایت اکتیو (۱۹۹۹) پنج سطح اطلاع رسانی، ترغیب، مشاوره، همیاری و کنترل را بر روی یک طیف از دموکراسی غیرمستقیم تا دموکراسی مستقیم به عنوان سطوح مشارکت عمومی در حفاظت از محیط‌زیست بیان می‌نماید.

در رابطه با شیوه‌های مشارکت عمومی در حفاظت از محیط‌زیست به طور معمول سه دسته از روش‌های انفرادی، گروهی و انبوهی توسط پژوهشگران تعیین و معرفی شده‌اند. به طوری که دیویس (۱۹۹۸) عضویت در کمیته‌های مشاوره-ای ایالتی و موسسه‌های زیست محیطی منطقه‌ای را دو راهکار مهم مشارکت عمومی در حفاظت محیط‌زیست در سطح ملی معرفی می‌نماید. ناجی و همکاران (۱۹۹۴) ضمن اشاره به روش‌هایی مانند تظاهرات، نشست‌های معترضانه، نامه نگاری با مجله‌های و روزنامه‌ها و سیاست‌گذاران، ایجاد سازمان‌ها و انتشار خبرنامه و تک نگاشت‌ها به عنوان مهم‌ترین روش‌های مشارکت عمومی در مسائل محیط زیستی، آنها را در سه دسته انفرادی، گروهی و انبوهی دسته‌بندی می‌کنند.

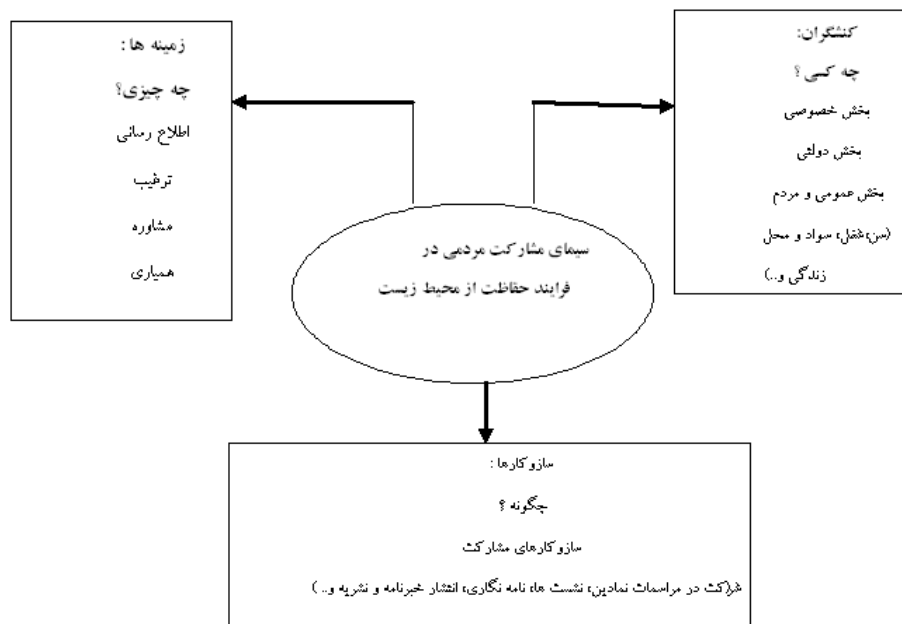
با توجه به آنچه بیان شد در این پژوهش در چارچوب الگوی بیشواکارما (۲۰۰۲) برای پاسخ به پرسش چه کسی، به تبعیت از ناجی و همکاران (۱۹۹۴)، قاسمی و سعدی (۱۹۹۹)، پرتی و میشل (۱۹۹۵) و بیشواکارما (۲۰۰۲)

دولتی بر می‌شمارند و در کنار آنان افرادی دیگر مانند، سرپرستان باشگاه‌های محلی، کدخدایان، پرورش‌دهندگان زنبورعسل، زنان، دامداران، جمع‌آوری‌کنندگان گیاهان و غذاهای محلی، ماهیگیران، کشاورزان و مرتعداران را نیز اضافه می‌کند. سلطانی (۱۹۹۹) بر اهمیت و ضرورت مشارکت زنان در حفظ محیط‌زیست اشاره می‌نماید. قاسمی و سعدی (۱۹۹۹) نیز شوراهای اسلامی را از گروه‌های مهم برای مشارکت در حفاظت از منابع طبیعی بیان می‌کنند. و سرانجام در یک دید کلی ناجی و همکاران (۱۹۹۴) به نقل از بومن و رابرت سه بخش دولتی، غیردولتی و مردمی را دست اندرکاران بالقوه برای مشارکت در تصمیم‌سازی‌های محیط زیستی معرفی می‌نمایند آنان در بخش مردمی، سازمان‌های غیردولتی را بهترین و موثرترین ابزار برای مشارکت بیان کرده است.

در رابطه با زمینه‌ها و سازوکارهای مشارکت عمومی در حفاظت محیط‌زیست بسته به شرایط مختلف محیطی و موضوعی، تفاوت‌های زیادی بین نتایج بررسی‌های مختلف دیده می‌شود به طوری که؛ ابراهیمی (۲۰۰۱) باز یافت پسماندها و به ویژه جداسازی زباله از مبدا را از زمینه‌های مهم مشارکت در حفاظت از محیط‌زیست بیان می‌کند. کارسون و بیکر (۲۰۰۵) در راستای تبیین مشارکت مردمی در مدیریت مناطق حفاظت شده، خاطر نشان می‌کنند که راهکار بسیاری از تضادها در این مناطق مشارکت همیارانه بین مردم محلی و کارگزاران دولتی می‌باشد و یک طیف پنج بخشی را برای جلب مشارکت مردم شامل، مشاوره فعالانه، جستجوی آگاهانه، مذاکره و گفت‌وگو، تسهیم اختیار و مسئولیت و انتقال کنترل و مسئولیت به مردم محلی تبیین می‌نمایند. آنان انتقال از مشارکت به صورت مشاوره تا مشارکت به صورت تسهیم اختیار و انتقال کنترل برای تبدیل مدیریت دولتی به مدیریت مشارکتی لازم می‌دانند. اندرسویج (۲۰۰۲)، اوزینگا (۲۰۰۳) و ویسی (۲۰۰۵) نیز ارزیابی اثرگذاری زیست محیطی را از زمینه‌های مناسب برای

مستقیم تدوین و مورد ارزیابی قرار گرفت. در پاسخ به پرسش چگونه نیز سازوکارهای مشارکت مردمی به تبعیت از ناجی و همکاران (۱۹۹۴) تظاهرات و یا شرکت در مراسم روزهای نمادین، نشست‌ها، نامه نگاری با مجله‌های و روزنامه‌ها و سیاست‌گذاران، ایجاد سازمان‌ها و انتشار خبرنامه و تک‌نگاشت‌ها بررسی شد (شکل ۱).

مشارکت‌کنندگان در سه گروه بخش دولتی، مردمی (عمومی) و خصوصی دست اندرکاران زیست محیطی دسته‌بندی شدند. در پاسخ به پرسش چه چیزی، زمینه‌های و سطوح مشارکت مردمی به تبعیت از اکتیو (۱۹۹۹) در پنج سطح اطلاع رسانی، ترغیب، مشاوره، همیاری و کنترل بر روی یک طیف از دموکراسی غیرمستقیم تا دموکراسی



شکل ۱- چارچوب مشارکت در حفاظت از محیط‌زیست

زمینه‌ها و سازوکارهای مشارکت و همچنین ماهیت مشارکت کنندگان، طی یک بررسی با روش دلفای نظر ۲۰ نفر متخصصان محیط‌زیست در مورد محتوای ابزار پژوهش با روش گلوله برفی اخذ شد به طوری که با مراجعه به هر نفر در مورد دیگر افرادی که بتوانند در زمینه مشارکت در حفاظت از محیط‌زیست به فرایند پژوهش کمک کنند پرسش شد و دیگر افراد بعدی با این روش گزینش شدند. و نتایج این مرحله مبنای تقسیم بندی‌های پژوهش به ویژه در مورد ماهیت و نوع کنشگران قرار گرفت. در مرحله کمی نیز در آغاز به منظور اطمینان از قابلیت اعتماد ابزار پژوهش، یک

مواد و روش‌ها

از آنجا که هدف این پژوهش تبیین سیمای مشارکت در حفاظت محیط‌زیست با توجه به نظرها و تجربه‌های کارشناسان محیط زیستی می‌باشد، از روش پیمایشی - توصیفی استفاده شد. همچنین با توجه به اینکه برای آزمون و بررسی مدل پژوهش مقیاسی، استاندارد مشخصی وجود نداشت و دستیابی به مقیاس مستلزم بررسی کیفی اولیه و سپس آزمون آن بود. طرح پژوهش ترکیبی کیفی مغلوب- کمی غالب گزینش شد. در این راستا، پس از تحلیل اسنادی شرح وظایف و رسالت سازمان محیط‌زیست و تهیه فهرستی از

بالاتر از لیسانس بودند. ۷۰/۳ درصد پاسخگویان کمتر از ۱۶ سال سابقه داشته و ۱۷/۸ درصد دارای بیش از ۲۴ سابقه کار بودند. داده‌های مرتبط با محل خدمت نیز نشان داد که ۵۷ نفر (۳۷/۷ درصد) از معاونت محیط طبیعی و تنوع زیستی، ۶ درصد متعلق به معاونت آموزشی و برنامه‌ریزی و ۴۳ نفر یا ۲۷/۷ درصد افراد از محیط انسانی و ۵ نفر یا ۳/۳ درصد از معاونت پشتیبانی و بقیه (۱۲ نفر) که از معاونت‌های اداری-مالی بودند. داده‌ها همچنین نشان داد که ۴۶/۹ درصد از پاسخگویان از لحاظ شغلی خود را در حدود بسیار زیاد در تماس با مردم تصور می‌کردند.

ماهیت و نوع مشارکت کنندگان

داده‌های جدول (۱) در مورد ماهیت و نوع کار و حرفه اقبال مختلف برای مشارکت در حفاظت از محیط‌زیست در سه بخش عمومی، خصوصی و دولتی از نظر پاسخگویان بیانگر این بود که در بخش عمومی؛ رهبران مذهبی ($M=۰/۷۴$, $Sd=۴۶$), سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی ($M=۰/۸$, $Sd=۳۳$), زنان ($M=۱/۰۸$, $Sd=۲۷$), و مدیران و شوراهای اسلامی شهر و روستا ($M=۰/۹۲$, $Sd=۱۷$) بالاترین رتبه را داشته‌اند لذا بیشترین ظرفیت همکاری را دارند. در بخش دولتی نیز، آموزگاران و استادان دانشگاه ($M=۰/۶۹$, $Sd=۴۷$), مروجان کشاورزی ($M=۱/۳۶$, $Sd=۰/۰۷$) و بازنشستگان ادارات ($M=۱/۰۶$, $Sd=۳۳$) اولویت‌های اول تا سوم را از لحاظ میانگین به خود اختصاص داده‌اند. و در نهایت در بخش خصوصی، از نظر پاسخگویان مدیران کارخانه‌ها ($M=۱/۲۲$, $Sd=۶۶$), مدیران مراکز تفریحی ($M=۱/۰۵$, $Sd=۱۴$) و مدیران مسئول رسانه‌های دیداری و شنیداری ($M=۰/۷۱$, $Sd=۳۵$) بالاترین رتبه را از برای توان و قابلیت برای مشارکت در فرایند حفاظت از محیط‌زیست دارند. همچنین مقادیر پایین انحراف معیار گزینه‌های روحانیون در بخش عمومی، آموزگاران و استادان دانشگاه در بخش دولتی و مدیران مسئول رسانه‌ها در بخش خصوصی بیانگر آن است که میان پاسخ‌های کارشناسان، در این موارد توافق و همگنی بیشتری

مطالعه موردی صورت گرفت و طی آن پرسشنامه به ۳۰ نفر از کارشناسان محیط‌زیست ارائه شد. پس از جمع آوری داده‌ها، ضریب آلفای کرانباخ مقیاس‌های تدوین شده محاسبه شد که به ترتیب برای ماهیت و نوع مشارکت کنندگان ۰/۸۱، زمینه‌های مشارکت ۰/۷۹ و برای سازوکارهای مشارکت مردمی ۰/۸۵ بدست آمد. با توجه به اینکه ضریب‌های بالای ۰/۷۵ بودند، پرسشنامه نهایی و برای جمع آوری داده‌های نهایی به نمونه‌ای ۲۰۰ نفری از جامعه آماری پژوهش که کارشناسان سازمان محیط‌زیست با سه سال سابقه کار بودند (۶۰۰ نفر) و از روی جدول اعداد تصادفی از روی لیست اسامی گزینش شده بود با بهره‌گیری از نامه پستی ارسال شد. نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران و بر پایه واریانس متغیر اصلی (زمینه‌های مشارکت) بدست آمده در مرحله مطالعه موردی محاسبه شد. پاسخ پرسش‌ها بر پایه طیف پنج پاسخی مقیاس لیکرت از به کلی موافق تا کاملاً مخالف بود. پس از پایان مهلت جمع آوری داده‌ها، و دریافت ۱۵۰ پرسشنامه و محاسبه ضریب بازگشت ۰/۷۵ و قابل پذیرش بودن آن، داده‌ها پردازش و تحلیل شد. برای تحلیل داده‌ها نیز از آماره‌های مرکزی و پراکندگی؛ میانگین، فراوانی، واریانس، دامنه و انحراف معیار و آماره استنباطی؛ تحلیل عاملی بهره‌گیری شد. همچنین برای تعیین نکات مهم یافته‌ها رتبه بندی بر پایه میانگین‌ها صورت گرفت.

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های فردی و شغلی پاسخگویان

یافته‌ها در زمینه ویژگی‌های فردی پاسخگویان (کارشناسان سازمان محیط زیست) نشان داد که میانگین سن آنان ۳۸/۵ سال بود و بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۷ درصد) بین ۳۷-۲۹ سال سن داشتند. همچنین از ۱۰۷ نفر از پاسخگویان یعنی ۷۰/۹ درصد آنان مرد و ۴۳ نفر یا ۲۸/۱ درصد آنان زن بودند. از نظر تحصیلات تنها ۱۶/۷ درصد مدرک پایین‌تر از لیسانس داشتند و در همین رابطه ۸۶ نفر یا ۵۷ درصد پاسخگویان دارای مدرک لیسانس بودند. نکته مهم تر اینکه تنها ۷ نفر یا به عبارتی ۴/۸ درصد از افراد دارای تحصیلات

شرکت‌های گردشگری ($M=2/89$, $Sd=1/05$) در بخش خصوصی برای مشارکت در فرایند حفاظت از محیط‌زیست بود.

وجود دارد. نکته دیگر توجه در داده‌های جدول (۱)، رتبه پایین پایین افشاری مانند جوانان ($M=3/73$, $Sd=0/96$) و پزشکان ($M=3/7$, $Sd=0/92$) در بخش عمومی، نظامیان ($M=3/01$, $Sd=0/94$) در بخش دولتی و مدیران

جدول ۱- ماهیت و نوع کار و حرفه داوطلبان مشارکت در فرایند حفاظت از محیط زیست

رتبه	انحراف معیار	میانگین	ماهیت و نوع مشارکت کنندگان	
۱	۰/۷۴	۴/۴۶	روحانیون و رهبران مذهبی	بخش عمومی
۲	۰/۸۰	۴/۳۳	سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی	
۳	۱/۰۸	۴/۲۷	زنان در مناطق شهری و روستایی	
۴	۰/۹۲	۴/۱۷	مدیران و شوراهای مناطق روستایی	
۵	۰/۹۷	۴/۱۳	ساکنان مناطق حفاظت شده و جنگلی (کشاورزان، دامداران، ماهیگیران و..)	
۶	۰/۸۳	۴/۰۷	انجمن‌های خیریه	
۷	۰/۸۸	۳/۸۳	ساکنان مناطق پیرامونی کارخانه‌ها، رودخانه‌ها، مناطق ساحلی و..	
۸	۰/۹۶	۳/۷۳	جوانان و دانش آموزان (گروه‌های بسیج دانش آموزی و ...)	
۹	۰/۹۲	۳/۷	پزشکان، پرستاران و دیگر علاقمندان به زمینه‌هایی بهداشتی	
۱	۰/۶۹	۴/۴۷	آموزگاران، استادان دانشگاه و مدیران مدارس و مهدکودک‌ها	بخش دولتی
۲	۱/۳۶	۴/۰۷	مروجان کشاورزی	
۳	۱/۱۰۶	۳/۶۳	بازنشستگان سازمان‌های دولتی	
۴	۱/۰۶	۳/۱۲	کارمندان بخش‌های مختلف دولتی	
۵	۰/۹۲	۳/۰۵	جنگلبانان	
۶	۰/۹۴	۳/۰۱	افراد نظامی (بسیج، نیروی انتظامی و..)	
۱	۱/۲۲	۴/۶۶	مدیران کارخانه‌ها	بخش خصوصی
۲	۰/۷۱	۴/۳۵	مدیران مسئول رسانه‌های نوشتاری و دیداری و کارکنان آنها	
۳	۱/۰۵	۴/۱۴	مدیران مراکز تفریحی	
۴	۰/۹۴	۴/۰۳	مدیران هتل‌ها و اماکن تفریحی	
۵	۱/۰۲	۳/۹۸	کارکنان و مسئولان اتحادیه‌های حمل و نقل شهری	
۶	۰/۸۳	۳/۹۳	کارگران کارخانه‌ها و شرکت‌ها	
۷	۰/۹۳	۳/۶۵	مدیران و مسئولان فروشگاه‌های مواد غذایی و ...	
۸	۰/۷۸	۳/۴۴	کارکنان مراکز تفریحی مرتبط با محیط زیست	
۹	۱/۰۵	۲/۸۹	مدیران شرکت‌های خصوصی گردشگری	

Archive of SID

زمینه‌های مشارکت

به منظور بررسی زمینه‌های مشارکت مردمی در فرایند حفاظت از محیط‌زیست از تحلیل عاملی بهره‌گیری شد. در این رابطه در آغاز با هدف بررسی معنی‌داری همبستگی‌ها و همچنین تناسب داده‌ها برای تحلیل عاملی از آزمون کرویت بارتلت و مقیاس کیسر بهره‌گیری شد که میزان $BTS=1104.721, p<.000$ برای آزمون بارتلت و معنی‌داری آن، از یک سو و معنی‌داری میزان $0/88$ در سطح 99% درصد اطمینان از سوی دیگر بیانگر معنی‌داری همبستگی‌های زیربنایی و همچنین تناسب داده‌ها برای تحلیل عاملی بود. بر این پایه تحلیل عاملی صورت گرفت که نتایج آن در جدول (۲) آورده شده است.

به طوری که از میزان ویژه مشخص است، ۷ عامل توانسته‌اند $91/69\%$ درصد واریانس متغیرها را تبیین نمایند؛ بیانگر و تایید کننده روایی محتوایی مقیاس مورد بهره‌گیری می‌باشد. در این راستا، عامل اول که متغیرهایی مانند؛ شناسایی بیماریها و پیشگیری از آنها، پیشگیری و کاهش اثرگذاری زیست محیطی رویدادهای غیرمترقبه، ترویج هشدارهای زیست محیطی در باره مصرف نکردن مواد ناسازگار با محیط‌زیست و... بر روی آن بار شده‌اند و بر فعالیت‌های پیشگیرانه دلالت دارد توانسته $22/5\%$ درصد از کل واریانس تبیین شده را خود اختصاص دهد. عامل دوم نیز که متغیرهایی مانند؛ شناسایی زیست گاه‌های جدید جانوری، سرشماری گونه‌های جانوری، آگاه سازی مردم از ارزش‌های بوم نظامی تالابها بر روی آن بار شده‌اند و ماهیت فعالیت‌های همیارانه و اشتراک مساعی را دارد $20/04\%$ درصد واریانس را برآورد کرده است. در همین راستا، عامل سوم با تاکید بر اقدام‌هایی مانند، مشاوره و همکاری در دادن مجوزهای شکار و چرا در مناطق، شناسایی و برخورد با متخلفان زیست محیطی، نظارت بر باشگاه‌های شکار که بیشتر در مدیریت و کنترل مناطق حفاظت شده مورد توجه هستند $14/36\%$ درصد از واریانس را تبیین نموده است. عامل چهارم نیز که بر اطلاع

رسانی در مورد قوانین زیست محیطی، اصول بهره‌برداری از مناطق چهارگانه و نقص استانداردهای زیست محیطی تاکید دارد $13/9\%$ درصد واریانس از کل تغییرات را برآورد نموده است. عامل پنجم که با تاکید بر اقدام‌هایی مانند؛ ارزیابی و پایش پیامدهای طرح‌های عمرانی و تولیدی، ارزیابی پیامدهای ورودگونه‌های جدید جانوری و پیشگیری از اثرگذاری سوء احتمالی و مکان‌یابی طرح‌های زیر بنایی و عمرانی، بیشتر مرتبط با فرایند ارزیابی اثرگذاری زیست محیطی می‌باشد و $10/34\%$ درصد واریانس را پیش بینی نموده است و سرانجام عامل‌های ششم و هفتم با تاکید بر اقدام‌های مرتبط با برنامه ریزی زیست محیطی و تجدید حیات بوم نظام‌های طبیعی به ترتیب $7/95\%$ و $3/03\%$ از کل واریانس را برآورد کرده‌اند.

سازوکارهای مشارکت

در این بخش برپایه چارچوب نظری، سازوکارهای مشارکت مردمی در فرایند حفاظت از محیط‌زیست مورد واکاوی قرار گرفت در این رابطه داده‌های جدول (۳) نشانگر این است که از نظر پاسخگویان، سازوکارهای ایجاد سازمان‌ها و نهادهای محلی ($M=4/77, Sd=1/08$)، شرکت در مراسم نمادین و مناسبت‌ها ($M=4/47, Sd=0/59$)، ایجاد تعاونی‌های زیست محیطی ($M=4/45, Sd=0/64$) و مشارکت در نشست‌های تخصصی و هم‌اندیشی ($M=4/41, Sd=0/76$) بالاترین اولویت را داشتند که بر پایه مقادیر انحراف معیار، بیشترین همگنی و توافق بر روی تعاونی‌های زیست محیطی و مراسم نمادین بود که کمترین انحراف معیار را داشتند. همچنین طبق یافته‌ها، سازوکارهای برگزاری کارگاه‌های آموزشی ($M=3/04, Sd=1/04$) و ایجاد کمیته‌های مشورتی ($M=3/07, Sd=1/36$) پایین‌ترین رتبه را در بین دیگران داشتند.

Archive of SID

جدول ۲- چگونگی توزیع متغیرها میان عامل‌ها و بارهای عاملی تبیین شده توسط متغیرها

اسامی عامل‌ها	مولفه‌های چرخش داده شده با روش وریماکس							متغیرها
	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
فعالیت‌های پیشگیرانه							۰/۶۹	شناسایی بیماریها و پیشگیری از بیماری‌های گیاهی و جانوری
							۰/۹۳	بازیافت مواد پسماندها (زباله و..)
							۰/۸۳	پیشگیری و کاهش اثرگذاری زیست محیطی رویدادهای غیر مترقبه (سیل ، بهمن و ...)
							۰/۷۷	نظارت بر مراتع برای جلوگیری از چرا و بهره برداری بی رویه
							۰/۸۹	اشاعه هشدارهای زیست محیطی در باره مصرف نکردن مواد ناسازگار با محیط زیست
							۰/۶۳	پیش بینی پیامدهای ورود گونه‌های جدید جانوری و پیشگیری از اثرگذاری سوء احتمالی
							۰/۶۸	پیشگیری از آلودگی‌های دریایی و آبی به ویژه در مناطق ساحلی
فعالیت‌های همیارانه						۰/۵۹	شناسایی زیست گاه‌های جدید جانوری	
						۰/۸۳	سرشماری گونه‌های جانوری	
						۰/۶۷	تشویق مردم به رعایت ضوابط توافق شده در کنوانسیون‌های بین المللی (تنوع زیستی و ...)	
						۰/۵۰	آگاه سازی مردم از ارزش‌های بوم نظامی تالابها	
						۰/۷۲	نیاز سنجی زیست محیطی	
						۰/۷۱	تهیه و تکمیل فلورها و کلکسیون‌های جانوری و گیاهی	
مدیریت مناطق حفاظت شده					۰/۶۹		مشاوره و همکاری در دادن مجوزهای شکار و چرا در مناطق	
					۰/۶۵		شناسایی و برخورد با متخلفان زیست محیطی	
					۰/۷۰		مدیریت و کنترل مناطق حفاظت شده	
					۰/۵۹		بهبودی و احیاء گونه‌های جانوری و گیاهی در خطر انقراض	
					۰/۶۶		نظارت بر باشگاه‌های شکار	
				۰/۶۳		مشارکت در بهره برداری پایدار از مناطق		

ادامه جدول ۲- چگونگی توزیع متغیرها میان عامل‌ها و بارهای عاملی تبیین شده توسط متغیرها

اسامی عامل‌ها	مولفه‌های چرخش داده شده با روش وریماکس							متغیرها
	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
اطلاع رسانی				۰/۷۵				اطلاع رسانی در مورد شرایط جدید و تنگناهای زیست محیطی
				۰/۷۱				اطلاع رسانی در مورد نقض استانداردهای زیست محیطی
				۰/۷۳				اشاعه ضوابط و اصول بهره برداری از مناطق چهارگانه زیست محیطی
ارزیابی اثرگذاری زیست محیطی			۰/۶۰					ارزیابی و پایش پیامدهای طرح‌های عمرانی و تولیدی
			۰/۵۲					ارزیابی پیامدهای ورود گونه‌های جدید جانوری و پیشگیری از اثرگذاری سوء احتمالی
			۰/۸۳					مکان یابی طرح‌های زیر بنایی و عمرانی
برنامه‌ریزی محیط زیستی		۰/۴۳						طراحی برنامه‌های زیست محیطی (نیاز سنجی، اجرا، ارزشیابی و.....)
		۰/۴۷						تدوین و گسترش قوانین و مقررات زیست محیطی
		۰/۵۱						برنامه‌ریزی برای پاک سازی اماکنعمومی در مناسبت های ویژه
تجدید حیات بوم نظام‌های زیست محیطی	۰/۴۶							شرکت در فعالیتهای بیابان‌زدایی مانند نهال کاری و فعالیتهای آبخیزداری
	۰/۵۸							مشارکت در بازسازی بوم نظام های طبیعی مانند تالاب ها و مرداب‌ها و ..
۹۱/۶۹	۳/۰۳	۷/۹۵	۱۰/۳۴	۱۳/۹	۱۴/۳۶	۲۰/۴	۲۲/۵	درصد واریانس کلی تبیین شده با عامل‌ها

بحث و نتیجه‌گیری

دارند که به احتمال زیاد این موضوع همان گونه که اوزینگا (۲۰۰۳) اشاره می‌کند ناشی از وجود تبعیض‌های ریشه‌ای در نگرش نسبت به مردم بومی و دانش آنان، نبود قوانین دولتی در حمایت از مشارکت مردم و مالکیت آنان، نبود دانش جدید در رابطه با نظام مدیریت مناطق حفاظت شده و همچنین نبود آموزش مناسب نزد کارکنان سازمان‌های دست‌اندرکار حفاظتی مرتبط با مردم محلی و جامعه‌ها می‌باشد. لذا می‌توان گفت که نگاه به موضوع مشارکت در حفاظت از محیط‌زیست یک نگاه ابزاری است نه هدفی که تحقق آن منجر به مسئولیت‌پذیری در برابر حفظ محیط‌زیست می‌شود.

و سرانجام با توجه به اولییتی که پاسخگویان برای نهادهای محلی و ملی مانند گروه‌های جامعه محلی، سازمان‌های غیردولتی و تعاونی‌های زیست محیطی و همچنین شرکت در نشست هم‌اندیشی و مراسم نمادین به عنوان سازوکارهای مناسب برای مشارکت مردمی در حفاظت از محیط‌زیست قائل هستند در توافق با کارسون و بیکر (۲۰۰۵)، پرتی و میشل (۱۹۹۵)، پارنل و همکاران (۲۰۰۵) و ناجی و همکاران (۱۹۹۴) می‌توان استنباط کرد که اثربخش‌ترین سازوکارها، آنهایی هستند که بتوانند یا همانند تعاونی‌ها و سازمان‌های غیردولتی ضمن ایجاد ساختار مناسب، منافع اقتصادی و اجتماعی را با هم تلفیق نماید. و یا مانند مراسم نمادین و نشست هم‌اندیشی از تاثیرگذاری عینی بر رفتار و تصمیم‌ها برخوردار باشند. نکته مهم تر اینکه به صورت گروهی باشد نه انفرادی.

پیشنهادها

با توجه به نتایج بدست آمده به منظور ارتقای مشارکت عمومی به بالاترین سطح یعنی تصمیم‌سازی و کنترل و مدیریت پیشنهادها زیر ارائه می‌شود:

- تمرکز برنامه‌های مشارکتی در بخش غیردولتی بر جلب

یافته‌های پژوهش نشان داد که در بخش عمومی مدیران محلی، رهبران مذهبی، زنان و ساکنان مناطق حفاظت شده و همچنین سازمان‌های غیردولتی مشارکت پذیرترند که در همخوانی با نتایج و یافته‌های پژوهشگرانی مانند، سلطانی (۱۹۹۹)، قاسمی و سعدی (۱۹۹۹)، پرتی و میشل (۱۹۹۵) اندرسویچ (۲۰۰۲)، پارنل و همکاران (۲۰۰۵) می‌توان استنباط کرد مهم‌ترین عوامل در موفقیت مشارکت مردم، جایگاه اجتماعی آنان (رهبران مذهبی و شوراها)، جنسیت، محل سکونت و گروهی بودن فعالیت‌ها (سازمان‌های غیردولتی) می‌باشد. در حالی که در بخش دولتی مهم‌ترین ویژگی، ماهیت آموزشی مشاغل می‌باشد. در بخش خصوصی نیز با توجه به اولویت مدیران کارخانه‌ها، و مدیران رسانه‌ها می‌توان گفت که مهم‌ترین ویژگی‌ها برای توفیق در جلب مشارکت آنان؛ داشتن جایگاه تصمیم‌سازی و روابط گسترده و انبوهی با مردم می‌باشد. با توجه به آنچه گفته شد مشخص می‌شود که دخیل بودن فرد در امر تصمیم‌سازی برای بهره‌گیری از منابع و همچنین داشتن مهارت آموزشی ویژگی‌هایی هستند که در هر سه بخش مردمی، خصوصی و دولتی بر توان و قابلیت افراد برای مشارکت در حفاظت محیط‌زیست تاثیر می‌گذارند.

در رابطه با زمینه‌های مشارکت مردمی با عنایت به اینکه ۵۰ درصد واریانس با عامل‌های فعالیت‌های پیشگیرانه، همیارانه و اطلاع‌رسانی تبیین شده، در همخوانی با طیف مشارکت در نظریه دوقطبی دموکراسی اکتیو (۱۹۹۹) می‌توان گفت مناسب‌ترین زمینه‌های مشارکت در سه سطح اطلاع‌رسانی، ترغیب و همیاری می‌باشند که ترغیب اولویت بیشتری دارد و در اولویت‌های پسی عوامل مدیریت و کنترل مناطق حفاظت شده، ارزیابی اثرگذاری زیست محیطی و تجدید حیات بوم‌نظام‌ها که در حدود ۴۰ درصد واریانس متعلق به آنهاست و می‌توانند در همخوانی با سطوح کنترل و مدیریت باشند قرار

مشارکت آنان

- استفاده از روش‌های مشارکتی مانند تحلیل جنیسیتی و تحلیل دست اندرکاران برای شناسایی مخاطبان بالقوه و مناسب

- برنامه‌ریزی برای جلب مشارکت مردمی در فعالیت‌های بنیادی مانند ارزیابی اثرگذاری زیست محیطی و فعالیت‌های پیشگیرانه از راه بکارگیری رهیافت‌های مشارکتی مانند ارزیابی مشارکتی زیست محیطی.

همکاری گروه‌های که دارای جایگاه اجتماعی مناسب هستند مانند؛ دهیاران، شورایارها، معتمدین محلی و زنان، در بخش خصوصی بر افراد تصمیم ساز مانند مدیران کارخانه ها و رسانه‌های دیداری شنیداری و سرانجام در بخش دولتی تمرکز بر افرادی که مسئولیت های آموزشی دارند مانند آموزگاران، استادان دانشگاه و مروجان.

- جلب مشارکت در زمینه‌هایی که بیشتر حالت پیشگیرانه دارد مانند بازیافت، اطلاع رسانی در مورد پیامدهای بیماری‌ها و رویدادهای طبیعی و شیوه عمل در شرایط یادشده.

- بسترسازی برای شکل‌گیری گروه‌های مردم نهادی که همزمان به تحقق هدف‌های اقتصادی و محیط زیستی و اجتماعی کمک نمایند مانند تعاونی های محیط زیستی که هم سود گرا هستند و هم در برای حفظ محیط زیست تلاش می نمایند.

علاوه بر موارد یادشده که به طور مستقیم بر پایه نتایج پژوهش ارائه شد پیگیری موارد زیر نیز می‌تواند به طور غیرمستقیم موفقیت برنامه‌های جلب مشارکت عمومی در حفاظت از محیط‌زیست را آسان نمایند:

- ارتقای دانش و آگاهی کارکنان سازمان محیط‌زیست و دیگر نهادهای دولتی در مورد تمامیت و سیمای مشارکت به طوری که جلب مشارکت مردم را یک هدف بدانند و نه یک ابزار. به طوری که در همه فعالیت‌های خود برای دانش و نظرها، و فعالیت‌های مردمی اولویت قایل شوند.

- عزم و تلاش در تدوین قوانین و مقررات مناسب برای حمایت از ایجاد نهادها و گروه‌های جامعه محلی مانند سازمان‌های غیردولتی و تعاونی‌های زیست محیطی

- ارتباط بیشتر با رسانه‌ها در رابطه با انتشار و عمومیت بخشیدن به دانش زیست محیطی

- برگزاری کارگاه‌های هم اندیشی و توانمندسازی برای برخی مخاطبان بالقوه مانند رهبران و مدیران جامعه محلی (روحانیون، شوراها و دهیاران و زنان) به منظور ارتقای سطح

جدول ۳- سازوکارها و روش‌های مشارکت مردم در حفاظت محیط زیست

رتبه	انحراف معیار	میانگین	سازوکارهای مشارکت
۱	۰/۶۴	۴/۴۵	تعاونی‌های زیست محیطی و یا مرتبط مانند تعاونی‌های جنگلداری و مرتعداری)
۲	۰/۵۹	۴/۴۲	شرکت در مراسم زیست محیطی روزهای نمادین
۳	۰/۷۶	۴/۴۱	مشارکت در نشست‌های تخصصی و هم‌اندیشی
۴	۱/۰۸	۴/۲۷	مشارکت از راه ایجاد سازمان و نهاد محلی و ملی (سازمان‌های غیردولتی، اتحادیه‌ها و تعاونی‌های زیست محیطی و ...)
۵	۰/۸۱	۴/۱۳	مشارکت داوطلبانه در هنگام رخ داد رویدادهای غیرمترقبه زیست محیطی
۶	۰/۷۱	۴/۱۲	اشاعه داده‌ها از راه رسانه‌ها (رادیو و تلویزیون و اینترنت و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی)
۷	۰/۷۸	۴/۰۴	نامه نگاری به مسئولان و سیاست گذاری و روزنامه نگاران
۸	۰/۷۷	۴/۰۳	انتشار و اهداء کتاب‌های زیست محیطی
۹	۱/۰۹	۳/۹۵	انتشار داده‌ها از راه پوستر و تک‌نگاشت‌ها و روزنامه یا خبرنامه و نصب تابلوهای خبری و تبلیغاتی
۱۰	۱/۲	۳/۳۴	مشارکت در هیات‌های ارزیابی و بازرسی
۱۱	۱/۰۱	۳/۳۲	سخنرانی‌های زیست محیطی
۱۲	۰/۶۹	۳/۱۲	اطلاع رسانی در مورد متخلفان از راه تلفن یا مراجعه مستقیم با انگیزه مالی
۱۳	۱/۳۶	۳/۰۷	کمیته‌های مشورتی
۱۴	۱/۰۶	۳/۰۴	برگزاری و یا شرکت در گارگاه‌های آموزشی زیست محیطی
۱۵	۰/۹۵	۲/۸۲	برخورد مستقیم با متخلفان

منابع

- 1-Abrahimi, A. 2001. Role of public participation in recycling of household west material in Tehran city. (MSc Thesis). Isalmic Azad University, Tehran. (in Farsi). P.3.
- 2-Andrusevych, A. 2002. The Right to Public Participation in Environmental Decision-Making in Ukraine: Challenges of Compliance, UNEP seminar on human rights and the environment, E/CN.pp. 1-46.
- 3- Bishwakarma, D R. 2002. Participation of disadvantages people in Watershed Management: A Case study of Bagamati Integrates Watershed Management Project, Makawanpur District, Nepal. Asian Institute of Technology School of Environment, Resources and Development Thailand
- 4- Bowman. M and Roberts. E. 1995. An Overview of Various Forms of Public Participation in Environmental Decision-making. Manual on Public Participation in Environmental Decision-making: Current Practice and Future Possibilities in Central and Eastern Europe, Budapest, pp 1-20.

- 5- Carlsson. L. and Berkes, F. 2005. Co-management: concepts and methodological implications, *Journal of Environmental Management* (75) pp. 65–76.
- 6- Davies .J. C. 1998. Public Participation in Environmental Decision-Making and the Federal Advisory Committee Act Testimony before the U.S. House of Representatives Government Reform and Oversight Committee, Center for Risk Management, Resources for the Future 1616 P Street Washington, DC 20036. pp.1-16.
- 7- Endre. S. A. u. 2000. Public Participation and Sustainable Development On-Line Module. Canadian International Development Agency and the AVINA Group.pp 1-30.
- 8- Energy Information Administration (EIA) (2002) Iran: Environmental Issues. U.S. Department of Energy .
- 9- Ewing. M. K. B. 2003. Public Participation in Environmental Decision Making, Tech. (Hons) Grad. Dip. Env. Protection (Hons). Pp.1-121.
- 10- Farzan, Y. (2004) Environmental problems in Iran: Can we do Anything? FTOL.
- 11- Merle S .2005, Public Participation in Environmental Decision-making in the new South Africa: A UCT/UNITAR Research Project to Identify Practical Lessons Learned Information Note The project is implemented through collaboration of the UCT Environmental Evaluation Unit, pp1-6.
- 12- Gasmi A. Sadi H. 1999. Approach on collaboration contexts of Islamic Rural consultants in natural resources management viewpoint of natural resources experts. Proceedings of the first conference of natural resources, participation and development. December, 18-19, Bureau of extension and public participation – forest and rangeland pp 125-135.
- 13- Maguire .L. A. and Lind .E. A. 2004. Public Participation in Environmental Decisions: Stakeholders, Authorities and Procedural Justice, Nicholas School of the Environment and Fuqua School of Business, Duke Universitylmaguire@duke.edu,pp.1-7.
- 14- Nagy , M, T,. et all .1994. Manual on public Participation in Environmental Decision Making, - Current practice and future possibilities in CENTRAL 7 EASTERN Europe – Budapest
- 15- Oceau.C, 1999. Local Community Participation in the Establishment of National Parks: Planning for Cooperation. Canada.p 28.
- 16- Ozinga .S, 2003. Parks with People, World Rainforest Movement / FERN, asked mainly on information from the Forest Peoples Program (www.forestpeoples.org) and world rainforest movement (www.wrm.org.uy).pp.1-4.
- 17- Oswald. B. and Michael M., 2000. Participation of Local Communities in Management of Totally Protected Areas, Hornbill 4.
- 18- Parenteau, R. 1988. Public Participation in Environmental Decision-Making. Ottawa: Supply and Service Canada. P.10.
- 19- Parnell, M & LLB, Bcomm, Mrup. 2005. Public Participation in Environmental Decision-Making. Barrister and Solicitor, Environmental Defenders Office (SA) Inc.pp. 1-15.
- 20- Pretty .J. N and Michel P. 1995. Parks, People and Professionals: Putting `Participation' into Protected Area Management, UN Research institute for world wild fund foe social development. International Institute for Environment and Development, Discussion Paper No 57, February. UNRISD, Geneva Lohani,

- 21- Sharma, S., Maskay, M.L. (1999), "Community participation and environmental protection in the construction of mountain roads: promotion of the 'green road' approach in Nepal", *Transport and Communications Bulletin for Asia and the Pacific*, No.69.pp59-77.
- 22- Scottish Executive Environment Group. 2005. *Public Participation in Environmental Matters: A Consultation* Blackwell's Bookshop .53 South Bridge, Edinburgh, EH1 1YS.pp.1-139.
- 23- Soltani M. 1999. women and need to involve them in environmental protection and sustainable development. *Reference book of public participation*. Pp. 58-61.
- 24- Veisi, H. 2004. *Participatory environmental impact assessment*. *Proceedings of 3rd National conference of Environmental impact assessment*. P. 98.

Archive of SID